۲ کودک گم‌شده در کوه‌های زکریای مشهد پیدا شدند

ساجدی- آتشپاد دوم امیر عزیزی مدیر عامل سازمان آتش نشانی مشهد گفت: آتش نشانان مشهدی پس از سه ساعت عملیات جست وجو در کوه های زکریای مشهد موفق به پیدا کردن دو کودک مفقود شده در این منطقه شدند. این دو کودک که دیروز به اتفاق خانواده و به قصد تفریح به منطقه زکریا در ارتفاعات جنوبی مشهد رفته بودند با سهل انگاری والدینشان در کوه ها گم شدند که توسط آتش نشانان نجات یافتند.

ماجرای ناله‌های عجیب از درون چاه

سجادپور- امدادگران آتش نشانی مشهد که تماس تلفنی مرد ضایعات فروش را جدی گرفته بودند با پیگیری ناله های عجیب و ضعیفی که از درون چاهی در زمین مخروبه به گوش می رسید، جان انسانی را نجات دادند که آخرین دقایق عمرش را سپری می کرد.

به گزارش خراسان، ماجرای ناله های عجیب، ساعت ۸ صبح روز گذشته هنگامی رقم خورد که مرد ضایعات فروش وارد زمین مخروبه ای در خیابان کوهسنگی ۸ مشهد شد تا شاید اشیای قابل بازیافت بیابد و روزگار خود را با فروش آن ها بگذراند. این مرد همان طور که چشم به زمین دوخته بود و داخل زمین مخروبه را با دقت نگاه می کرد ناگهان صدای ناله های ضعیفی را شنید که شبیه تقاضای کمک بود! مرد ضایعات فروش ابتدا توجهی نکرد و احتمال داد که شاید صدای خودروهای عبوری یا پرواز پرندگان از روی درختان را شنیده است بنابراین به تلاش خود برای جمع آوری مواد قابل بازیافت ادامه داد تا این که آرام آرام کنار دیوار آجری رسید که قامت یک ساختمان بر آن برافراشته بود اما هرچه به دیوار نزدیک تر می شد گویی گوش هایش صدای ناله های عجیب را واضح تر می شنید. مرد مذکور که به نوعی ترس همراه با تردید بر وجودش حکمفرما شده بود، دیگر با نگرانی و حساسیت خاصی قدم برمی داشت تا حیوان خطرناکی مانند مار در لابه لای علف های روییده در زمین خاکی به کمین او ننشسته باشد! اما این ناله های عجیب شبیه فریادهای انسانی بیمار و ضعیف الجثه بود که به زحمت از گلویش خارج می شد. مرد ضایعات فروش، با نگرانی و آهسته قدم برمی داشت تا کنار حفره بزرگی در حاشیه دیوار رسید.

صدای ناله های عجیب از همان نقطه در فضای زمین مخروبه به گوش می رسید که مرد ضایعات فروش چشمانش را به دل تاریک چاه دوخت ولی در آن سیاهی چیزی دیده نمی شد و تنها صدای ناله ها کمی واضح تر شده بود! مرد مذکور که احتمال می داد شاید انسانی درون چاه گرفتار شده باشد با حیرت و نگرانی شدید از زمین خاکی بیرون زد تا با پلیس تماس بگیرد اگرچه ماجرای شنیده شدن صدای ناله های عجیب از درون یک زمین مخروبه کمی غیرعادی به نظر می رسید اما مرد ضایعات فروش با راهنمایی پلیس ۱۱۰، تماسی هم با امدادگران آتش نشانی گرفت تا ماجرا را دوباره برای آتش نشانان نیز بازگو کند. نیروهای آتش نشان که از کنار هیچ تماس بیهوده ای نمی گذرند این اظهارات را حتی با احتمال گرفتاری یک حیوان در داخل چاه جدی گرفتند و بلافاصله گروهی از امدادگران با تجهیزات کامل عازم خیابان کوهسنگی ۸ شدند و بلافاصله با یافتن حفره مذکور، عملیات امداد و نجات را آغاز کردند. آنان فرصتی نداشتند چرا که هر لحظه احتمال داشت شهروندی جان خود را از دست بدهد و این لحظات برای او بسیار طلایی و حیاتی بود.

طولی نکشید که قرمزپوشان آتش نشانی همه محوطه زمین خاکی را قرق کردند، تجهیزات لازم با رعایت نکات ایمنی، روی دهانه چاه قرار گرفت و برخی از امدادگران در حالی که کمربندهای محکمی را به کمر بسته بودند قدم به دل تاریک چاه گذاشتند. نورافکن ها روشن شد و امدادگران با دیدن مردی که در دل چاه ۱۵ متری افتاده بود به یاری وی شتافتند.

نفس در سینه امدادگران آتش نشانی حبس شده بود و فریادهای «زنده است!» لبخندزیبایی را بر لبان از جان گذشتگان آتش نشانی نشاند! مرد مصدوم که حدود ۴۰ سال سن داشت با دیدن نیروهای آتش نشان، نور امید در دلش درخشید و شاید هم در میان ناباوری و مرگ و زندگی، نجاتگرانش را دعا می کرد. چند دقیقه بعد، نیروهای ایستگاه ۲ و ۳ آتش نشانی مشهد، مرد مصدوم را از دل تاریک چاه بیرون کشیدند و با انجام کمک های اولیه، او را تحویل اورژانس دادند تا به مرکز درمانی انتقال یابد.

مدیرعامل آتش نشانی و خدمات ایمنی مشهد، روز گذشته در تشریح این عملیات نجات بخش به خراسان گفت: صبح امروز (دیروز) در پی تماس فردی که مدعی بود صداهای عجیبی را از درون یک حفره بزرگ شنیده است، نیروهای امداد و نجات از ایستگاه های ۲ و ۳ آتش نشانی عازم محل مذکور واقع در خیابان کوهسنگی شدند و مرد ۴۰ ساله ای را از عمق ۱۵ متری یک چاه نجات دادند. آتشپاد دوم دکتر امیر عزیزی افزود: این فرد دچار صدمات شدیدی شده بود که برای انجام امور درمانی، تحویل نیروهای اورژانس شد و به مرکز درمانی انتقال یافت.

وی اضافه کرد: بررسی ها و صحبت های کوتاه فرد مصدوم بیانگر آن بود که این فرد بیش از ۲۴ ساعت قبل درون چاه افتاده بود که به طرز معجزه‌آسایی از مرگ نجات یافت.

شایان ذکر است، این احتمال وجود دارد که فرد گرفتار در چاه نیز برای جمع آوری ضایعات وارد زمین مخروبه شده باشد بر این اساس باید این گونه زمین های رها شده به طور کامل محصور شوند تا جان انسان ها در معرض خطر قرار نگیرد.

عکس از آتش نشانی

مصدوم بعد از ۲۴ ساعت از داخل چاه بیرون کشیده شد

آتش نشان ها در حال نجات مرد گرفتار در چاه

۳ نوجوان سانحه مرگبار جاده ورامین را رقم زدند!

سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از واژگونی مرگبار یک دستگاه سواری پژو ۲۰۶ با سه سرنشین نوجوان خبر داد. به گزارش رکنا، سید جلال ملکی درباره جزئیات این حادثه گفت: وقوع حادثه واژگونی یک دستگاه خودروی سواری در ساعت ۱۳:۰۴ ظهر دیروز به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد که درپی آن ستاد فرماندهی آتش نشانان دو ایستگاه را به محل حادثه واقع در جاده ورامین مقابل پمپ بنزین فیروزآباد اعزام کرد.

وی با بیان این که نخستین گروه از آتش نشانان حدود چهار دقیقه پس از اعلام حادثه در محل حاضر شدند، گفت: با حضور آتش نشانان در محل مشخص شد که یک دستگاه سواری پژو ۲۰۶ اس دی در حال حرکت در مسیر بوده که ناگهان با انحراف از مسیر اصلی خود و برخورد با گاردریل کاملا واژگون و سپس متوقف شده است.

تهران با بیان این که در این خودرو سه نوجوان حدود ۱۶ و ۱۷ ساله حضور داشتند، اظهار کرد: بر اساس آثار و شواهد به جا مانده در محل حادثه شدت این تصادف به حدی بود که دو نفر از سرنشینان خودرو از داخل کابین به بیرون پرتاب شدند و یک نفر ۱۲ متر قبل از خودرو و دیگری حدود ۱۵ متر پس از خودرو بر کف خیابان افتاد که بلافاصله آتش نشانان همزمان با ایمن سازی محل، امدادرسانی به آنان را نیز در دستور کار خود قرار دادند.

ملکی با اشاره به تحویل سه سرنشین نوجوان این خودرو به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه اظهار کرد: با بررسی علایم حیاتی متأسفانه مرگ یکی از این نوجوانان که حدود ۱۶ سال سن داشت از سوی تکنسین های اورژانس تأیید شد و دو مصدوم دیگر نیز که حال نامساعدی داشتند و حتی یک نفرشان دچار نقص عضو نیز شده بود، برای ادامه دریافت خدمات درمانی به بیمارستان منتقل شدند.

وی با بیان این که عوامل آتش نشانی با ایمن سازی محل و انتقال خودرو به حاشیه مسیر به عملیات خود خاتمه دادند، خاطرنشان کرد: عوامل پلیس راهنمایی و رانندگی علت این حادثه را بررسی و اعلام خواهند کرد.

خط زرد

هشدارهای پلیس درباره علل گرایش به مواد مخدر

* پایبند نبودن فرد به مسائل اخلاقی، معنوی و دینی و بی بند و باری و بی توجهی به ارزش ها و قوانین اجتماعی
* داشتن والدین یا بستگان معتاد
* وجود درگیری و طلاق در خانواده
* وجود والدین سختگیر یا سهل انگار در تربیت فرزندان
* پایبند نبودن خانواده به مسائل اخلاقی، معنوی و دینی
* دسترسی آسان به مواد مخدر در جامعه
* تغییرات محیط زندگی مانند مهاجرت از روستا به شهر
* داشتن محیط آلوده و دوستان مصرف کننده مواد مخدر
* کمبود مراکز تفریحی سالم برای گذراندن اوقات فراغت

سرهنگ بوستانی
رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از میان خبرها

دستگیری قاتل شهید نظم و امنیت

توکلی- فرمانده انتظامی استان کرمان از دستگیری قاتل شهید سجاد جرجندی در کمتر از یک ماه خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سردار بنی اسدی فرشامگاه گذشته در تشریح جزئیات این خبر گفت: پس از شهادت شهید "سجاد جرجندی" در آبان ماه گذشته در شهرستان رودبار جنوب، دستگیری عامل تیراندازی به این شهید عرصه نظم و امنیت به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی افزود: گرچه بلافاصله بعد از شهادت این شهید بزرگوار قاتل شناسایی شد اما به دلیل تغییر متوالی محل اختفایش، پس از انجام مستمر کار اطلاعاتی سرانجام متهم، زمانی که قصد خروج از مرزهای شرقی کشور را داشت توسط نیروهای اطلاعاتی و عملیاتی پلیس رودبار جنوب در حوالی شهرستان ایرانشهر به همراه سه نفر از همدستانش دستگیر و یک دستگاه خودرو نیز از آن ها توقیف شد. براساس این گزارش، پیش از این دو نفر از عوامل شهادت وی دستگیر شده بودند.

درامتداد تاریکی

عروس بدهکار

هنوز شش ماه بیشتر از ازدواجم نمی گذشت که همسرم کلاهم را برداشت و مرا با ۱۲ میلیون تومان بدهی رها کرد و به مکان نامعلومی رفت حالا من که دیوانه‌وار مقابل پدر و مادرم ایستادم تا با او ازدواج کنم شرمنده و خجالت‌زده، سربار خانواده‌ام شده‌ام...

زن ۲۵ ساله که شش ماه است انتظار شوهرش را می کشد تا شاید روزی به خانه‌اش بازگردد، درباره ماجرای ازدواجش با جوانی بیکار و معتاد به کارشناس اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: درست دو سال قبل از طریق یکی از آشنایانم به مدیر یکی از هایپرمارکت های مشهد معرفی شدم تا به عنوان فروشنده در آن جا مشغول کار شوم چرا که بعد از گرفتن دیپلم حوصله‌ام در خانه سر می رفت و دوست داشتم محیط بیرون را تجربه کنم. هنوز یک هفته از شروع به کارم نگذشته بود که با یکی از همکاران خانم در همان مجموعه دوست شدم و ارتباط صمیمی بین ما برقرار شد تا این که در میان همین رفت‌وآمدها با برادر همکارم آشنا شدم طولی نکشید که ارتباط تلفنی و پیامک های عاشقانه بین من و «جمال» آغاز شد. آرام آرام قرارهایمان به بیرون از منزل کشید و ما به طور پنهانی و به دور از چشم خانواده ها با یکدیگر به گشت و گذار می رفتیم، حدود یک سال از این روابط غیرمتعارف می گذشت تا این که جمال به خواستگاری‌ام آمد اما پدرم با دیدن وضعیت ظاهری جمال و به‌ویژه بیکاری او بلافاصله با این ازدواج مخالفت کرد ولی من که دلباخته او بودم و یک سال از جوانی‌ام را به طور پنهانی با او سپری کرده بودم نمی توانستم به راحتی پاسخ منفی پدرم را قبول کنم این بود که مقابل خانواده‌ام ایستادم و به ازدواج با او اصرار کردم. پدرم وقتی شیفتگی مرا دید دست از نصیحت هایش کشید و گفت: اگرچه با این عشق خیابانی قلب و روحم را شکستی اما باز هم به خاطر خوشحالی تو با این ازدواج موافقت می کنم خلاصه با این رضایت اجباری من و جمال با هم ازدواج کردیم. بعد از پایان مراسم عقد کنان بلافاصله پدرم کارگر و بنا آورد و با تهیه مصالح ساختمانی طبقه دیگری را روی منزل مسکونی‌مان ساخت. او گویی آینده و سرنوشت مرا می دانست به قول معروف می گویند «آن چه جوان در آینه بیند/ پیر در خشت خام می بیند» خلاصه شش ماه بعد ساختمان ما آماده شد و من و جمال به فکر برگزاری مراسم عروسی افتادیم با وجود این از لحاظ مالی چیزی نداشتیم و در نهایت با کمک اطرافیان جشن عروسی را برگزار کردیم و برای آغاز زندگی مشترک راهی ساختمانی شدیم که پدرم برای دختر و دامادش آماده کرده بود ولی هنوز یک هفته بیشتر از آغاز زندگی مشترک نمی گذشت که فهمیدم جمال نه تنها به مواد مخدر اعتیاد شدیدی دارد بلکه در برقراری روابط عاطفی نیز بسیار ناتوان است با وجود این او انتخاب خودم بود و من به دلیل علاقه شدیدی که به او داشتم با همین شرایط نیز حاضر به ادامه زندگی بودم تا این که روزی جمال به منزل آمد و از من خواست مبلغ ۱۲ میلیون تومان وام را برایش ضمانت کنم. بعد از دواج با او اصرار کردم. پدرم وقتی شیفتگی و کت و شلوار مارک می خواهد هزینه کند من هم که دوست داشتم شوهرم لباس های شیک بپوشد تا اعتیادش جلوه نکند حاضر به این کار شدم و سفته هایی را برای ضمانت امضا کردم ولی او شش ماه قبل پس از آن که وام ۱۲ میلیونی را گرفت دیگر به خانه نیامد و به مکان نامعلومی رفت او مرا با ۱۲ میلیون تومان بدهی بانکی در حالی رها کرد که دیگر خجالت می کشم حتی به چشمان پدرم نگاه کنم و... شایان ذکر است، به دستور سرهنگ عباس زمینی (رئیس کلانتری سپاد مشهد) پرونده این زن در دایره مددکاری کلانتری مورد رسیدگی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

شرکت معتبر کشاورزی برای توسعه تولید و بازرگانی محصولات
گلخانه های خود، نیازمند یک نفر کارشناس تولید محصولات گلخانه ای و بازاریابی می باشد.
از متقاضیان واجد شرایط با تجربه حداقل ۵ سال، خواهشمندیم رزومه خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.
recruitment.greenhouse2019@gmail.com
۹۸۰۱۵۲۶۲/ص

صفحه‌آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

عطار حلیم نیت ابوری
اگر در زمره مشتریان وفادار حلیم نیشابوری عطار هستید حتما این آگهی را ملاحظه فرمایید
شرح در صفحه ۷ (زندگی سلام)
۹۸۰۱۵۱۷۴/ص

۹۸۰۱۲۸۴۷/ص

۹۷۱۷۸۶۰۲/ص

تـــوری
پلیسه جمع شونده
برای کلیه پنجره ها
کیفیتی ماندگار با تور ساخت ژاپن
۳۸ ۴۶ ۵۵ ۲۰
۹۸۰۰۸۰۶۳/ص